

گزارش سمینار نظریه‌های نو

تحولات مفهومی توسعه پایدار

سخنران: دکتر محمد رضا مثنوی

گزارش: هانی ارجمندی، پژوهشگر دوره دکتری پژوهشکده هنر معماری و شهرسازی نظر

۱۳۹۳/۱۰/۰۳

دکتر محمد رضا مثنوی در چهارمین سمینار از سلسله سمینارهای نظریه‌های نو که مورخ ۳ دی ماه ۱۳۹۳ در محل پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر برگزار شد، به بازگویی سیر تحولات مفهومی توسعه پایدار پرداخت و نظریات مربوط به آن را در سه تقسیم بندی مورد واکاوی قرار داد. زمینه‌های تاریخی نظریه پایدار، ورود توسعه پایدار به دستور کار سازمان ملل و در پی آن کنفرانس ریو و دستورکار آن.

نظریه‌ها رویکرد انسان را به دنیای پیرامون می‌سازند و چون شرایط کلی آن را تغییر می‌دهند، مورد اقبال عموم قرار می‌گیرند. این رویکردها می‌توانند شخصی و مبتنی بر تجربه باشد و یا رویکردی فلسفی. در هر دو رویکرد، باید به شناسایی ریشه‌های تاریخی آن پرداخت.

در زمینه‌های تاریخی نظریه توسعه پایدار، نقطه عطفی به نام انقلاب صنعتی وجود دارد. پیش از آن انسان روشی آرام برای رشد و توسعه خود داشت و به طور کل تا قبل از قرن ۱۷ آرمان شهرش را دنبال می‌کرد. افلاطون در کتاب خود این آرمان شهر را ترسیم کرد و کمال‌گرایی را رکن اصلی دانست و آن را Atlantis نامید. بعد از قرن ۱۶-۱۷ فرانسیس بیکن (نظریه پرداز انگلیسی) آرمانشهر جدیدی را با نام New Atlantis مطرح می‌کند که با نظریه افلاطون متفاوت و هم‌راستا با اعتقادات کلیسا بود. وی در آن جستجوی دانش علمی را محور سعادت بشر می‌داند. در سال‌های ۱۶۲۰-۱۷۰۰ کپلر، دکارت، کانت و گالیله نیز نظریات خود را مطرح می‌کنند. گالیله معتقد است که کتاب طبیعت به نظم ریاضی نوشته شده و درک آن با تفسیر ریاضی ممکن است. کپلر طبیعت را به یک ماشین تشبیه می‌کند. طبیعتی که قبل از این مقدس و پیچیده بود، به یک سیستم تشبیه می‌شود و آن را مادی تفسیر می‌کند. اساس تفکر فلسفی دکارت مبتنی بر تجزیه و تحلیل بود. از آنجا که قبل از آن طبیعت یک تهدید به حساب می‌آمد، وی روش تسلط به طبیعت را، راه شناخت قوانین آن دانست.

پس از حدود هفتاد سال دانشمندی به نام توماس هابز، در نظریه‌ای جدیدی بشر را در جامعه‌ای تحت تهدید مطرح کرد. چنین سیاستی جامعه‌ای بر مبنای علم را ایجاد می‌کند تا بتواند خود را از میان تهدیدات برهاند. این انقلابات علمی به

انقلاب صنعتی انجامید. با افزایش تولید و بهره‌برداری از منابع طبیعی و ایجاد شهرهای صنعتی، آلودگی، زباله، و جنگل‌زدایی بازخوردی از آن به حساب می‌آمد.

تا اواخر قرن ۱۹ دو نهضت علم محور و تکنیک محور برای رویارویی با چنین تغییرات زیست محیطی ایجاد شدند. تکنیک محورها معتقد بودند با تکنولوژی می‌توان به طبیعت کمک کرد و به آن مسلط شد، در حالیکه طبیعت محورها معتقد بودند که بشر جزئی از طبیعت است و هر کس به اندازه سهمش از طبیعت می‌تواند بهره‌برداری کند.

در اوایل قرن ۲۰، در پدیده‌ای به نام Suburban Development گرایش به سمت زندگی در حومه‌های شهر ایجاد شد چرا که ثروتمندان دیگر شهرها را فضایی مناسب برای زندگی نمی‌دیدند. پس از این دوران در آمریکا اندیشمندانی مانند هاوارد، لوکوربوزیه و رایت اندیشه‌های خود را مبنی بر ایجاد شهرهای جدید مطرح می‌کنند.

اعتقاد هاوارد مبنی بر این است که از آنجا که شهر و روستا هر کدام دارای معایب و محاسنی هستند، باغ شهر می‌تواند تلفیقی از هر دو اینها باشد. لوکوربوزیه به عنوان نظریه پرداز دوم با تئوری شهر درخشان معتقد بود که شهرها به دلیل کم بودن جمعیت غیر قابل سکونت بوده و با افزایش جمعیت رفتارهای جمعی رشد کرده و ایده برج در باغ شکل می‌گیرد. رفتن به ارتفاع به این مفهوم است که زمین‌ها آزاد شوند و طبیعت سهم بیشتری داشته باشد. (Tower in the Park) ایده‌های لوکوربوزیه بعد از جنگ جهانی با وعده واحدهای زیاد در زمین‌های کم بسیار راه‌گشا بود که عملی شدنش را نیز باید مدیون ورود بتون به معماری دانست.

رایت پس از لوکوربوزیه، ایده شهری‌اش را با نام شهرهای حومه گسترده و یا حومه گسترده مطرح کرد. در این طرح وی برای هر فرد زمینی در حدود نیم هکتار در نظر گرفت تا به مزرعه شهری دست پیدا کند. خانه‌های پراکنده در میان زمینهای کشاورزی شکل می‌گرفتند چرا که شغل غالب افراد کشاورزی و کار در مزارع در نظر گرفته شده بود. با وجود حضور زیاد طبیعت، کم جمعیت بودن شهرها و وابستگی به حمل و نقل شخصی بعزت عدم موفقیت آن بود.

زمینه‌های تعیین‌کننده تحولات توسعه پایدار پس از کتاب Unlimited Growth (رشد نامحدود) شکل گرفت. جان لاک در این کتاب توسعه و سازندگی را بدون هیچ قید و شرطی مجاز دانسته بود اما در برابرش کتاب Limits of growth نوشته شد و وضعیت اسف‌باری را پیش‌بینی می‌کرد که در راستای توسعه بی‌قید و شرط ایجاد خواهد شد. در ادامه چنین نظریاتی، در سال ۱۹۸۷، گزارش براتلند، با نام "آینده مشترک ما" اعلام کرد اگر وضعیت به همین رویه ادامه پیدا کند، در سال ۲۰۵۰ کره زمین با فاجعه زیست محیطی مواجه خواهد شد و ما نیازمند توسعه پایدار هستیم. توسعه پایدار نیازهای نسل فعلی را برآورده می‌کند بدون اینکه نسل‌های آینده در تامین نیازهایشان دچار مشکل شوند و این امر گویای عدالت بین نسلی است.



پس از آن در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو، ۱۷۲ کشور در اجلاس زمین حضور پیدا کردند. قطعنامه چهل فصلی منتج از این کنفرانس، از آلودگی هوا و آب و زمین تا مباحث اجتماعی و اقتصادی را از منظر پایداری بررسی کرده بود. برای اینکه چنین قطعنامه‌ای برای همه کشورهای جهان عملی باشد، با شعار "جهانی بیاندیشید، محلی عمل کنید" دستور کار ۲۱ مدون و در امور کارهای اجرایی کشورها قرار گرفت. کتب متعددی در این زمینه و برای اجرای بهتر پایداری و توسعه پایدار شهری به چاپ رسیدند و پایدارترین فرمهای شهری را مورد بررسی قرار دادند. در کتاب "دستیابی به فرم شهری پایدار" نظریه پایدارتر بودن شهرهای متراکم نسبت به شهرهای گسترده مطرح شد با این ادعا که مصرف سوختهای فسیلی تا ۷۰٪ کاهش می‌یابد و حرکت پیاده در شهرهای متراکم آسان‌تر است. همچنین باری حرکت مستمر به سمت پایداری چند منظوره بودن فضاهای شری بسیار موثر است.

پژوهشگاه نظر